



همسر و دختران رضاشاه در حال خروج از کاخ در روز کشف حجاب.

نخستین برخورد نوگرایان ایرانی با آداب و رسوم غربی در کنار استفاده از صنعت و تکنولوژی پیشرفته غرب در ایران معاصر از دوران فتحعلی‌شاه قاجار آغاز شد. شکست‌های نظامی ایران از روسیه و انعقاد قراردادهای گلستان (۱۲۲۸ ق) و ترکمن‌چای (۱۲۴۳ ق) دربار ایران را متوجه عقب‌ماندگی کشور کرد و درصدد برآمد برخی شیوه‌های غربی را در امور نظامی و آنگاه سیستم اداری و آموزشی وارد کند. آمد ورفت‌های هیأت‌های غربی بویژه فرانسویان به دربار ایران راه این نفوذ را گشود و به دنبال آن ۲ محصل و بعد از آن یک هیأت ۵ نفره از جوانان ایرانی برای تحصیلات عالی‌ه عازم دیار فرنگ شدند. اینان ضمن فراگرفتن علوم و تکنولوژی، تحت تأثیر آداب و رسوم غربی قرار گرفته و پس از بازگشت، مروج آن شدند. به دنبال تأسیس اولین سیستم آموزشی به سبک غربی در کشور یعنی دارالفنون، راه این نفوذ و تأثیرگذاری بیشتر فراهم شد. هدف اولیه دارالفنون تربیت کادر متخصص بویژه در بخش نظامی به شیوه و سبک آموزشی غرب بود. معلمان دارالفنون نیز غالباً غربی بودند و برنامه آموزشی آن نیز به سبک و سیاق غرب بود. امیرکبیر در زمان حیات سیاسی خود مخصماً بر این مدرسه نظارت داشت اما بعد از وی این نظارت کم‌رنگ شد به طوری که دارالفنون به اولین مرجع رسمی جهت ورود سیستم آموزشی غرب که فرهنگ خاص خود را به دنبال دارد مبدل شد.

در کنار ورود الگوهای نظام آموزشی غرب، جهت‌گیری سیستم اداری و سیاسی کشور به این سمت با تلاش میرزااحسین‌خان سپهسالار شتاب بیشتری یافت و وزراتخانه‌های متعددی تشکیل شد. روح و هیئت دولت سپهسالار به قول «ادمیت»، تغییر بود در جهت ترقی، جوهر نقشه ترقی او شامل وضع قوانین عرفی و ایجاد مدارس جدید به سبک اروپا و بالا بردن سطح افکار عمومی از طریق نشر

در روز کشف حجاب، دختران و زنان به‌طور فزاینده‌ای به پوشش غربی روی آوردند.

فاطمه حمزه‌لوی: «امروز گفتمان زنان گفتمانی غالب در سطح جوامع است و از آنجا که نمی‌از هر جامعه‌ا رزنان تشکیل می‌دهند، مسائل مربوط به آنان حائز اهمیت است. در طول تاریخ اجددجلف‌های زیادی در حق زنان صورت گرفته است. زمانی در یونان باستان زنان را همچون بردگان خرید و فروش و از کم‌ترین حقوق انسانی محروم می‌کردند. بعدها با وقوع رنسانس و ورود به عصر روشنگری، جریان‌های برابری‌طلبانه در نتیجه این ظلم تاریخی شکل گرفتند. در جامعه امروز ۲ جریان عمده در قبال مسائل زنان وجود دارد. عده‌ای هر گونه حضور اجتماعی زن را رد کرده و حکم به خانه‌نشینی او می‌دهند. جریان‌های برابری‌طلبانه زن را به حداکثر حضور اجتماعی برابر با مردان تشویق می‌کنند و گروه سوم نظری بینابین دارند. در این مقاله تلاش شده است به جایگاه و نقش اجتماعی زن در جامعه‌ا **دیدگاه‌ها مقام معظم رهبری پرداخته شود.**

- جایگاه اجتماعی زنان در اسلام**

از نظر رهبری شخصیت والای زن هنوز آطور که باید و شاید در جامعه ترسیم نشده است. جریان‌های غربی و فمینیستی نیز به‌رغم ادعاها و شعارهای‌شان نتوانسته‌اند جایگاهی درخرو مقام زن برای او ایجاد کنند. ایشان وضعیت کنونی زنان مسلمان ایرانی را به‌رغم توسعه حضور اجتماعی، دارای حد متوسطی از پیشرفت می‌دانند و معتقدند زنان ایرانی هنوز در اول راه پیشرفت قرار دارند. به همین دلیل افراد جامعه بویژه زنان باید نسبت به موضوع «زن» آگاهی‌های لازم را از دل «اسلام» به دست بیاورند؛ دینی که به زنان شأن و جایگاهی برابر با مردان بخشید تا جایی که همیای مردان یا پیامبر(ص) بیعت کردند و بدین وجه مشارکت سیاسی و اجتماعی‌شان مشروعیت یافت. از دیدگاه ایشان، زن و مرد از نظر جنبه‌های انسانی تفاوتی ن‌بام‌ندارند و جنسیت نسبت به انسانیت در درجه دوم اهمیت قرار دارد. «زن و مرد همواره در ارزش‌های اسلامی و انسانی و وظایف عمومی یک انسان. در جامعه‌اسلامی همسو و همسطح بوده‌اند و تنها در وظایف اختصاصی آن، هم براساس خصوصیات آفرینش آنها اختلافاتی وجود دارد.» ایشان با اشاره به عمومیت حدیث *هِنَّ اصْبَحَ لَا یَهْتُمُّ بِأَمورِ الْمُسْلِمِینَ فُلَیْسِ بِمُسْلِمٍ*، و عدم اختصاص آن به جنس مذکر، اهتمام به امور مسلمانان، جامعه‌اسلامی و مسائل جهانی را وظیفه انسانی همه افراد اعم از زن و مرد می‌دانند. از این رو حضور زن را در تمام عرصه‌های اجتماعی و حتی در میدان‌های جهاد خالی از اشکال می‌دانند: «زانی که بتوانند و مایل باشند می‌توانند در میدان‌های جهاد نیز حضور پیدا کنند» مومنین و مومنات در حفظ مجموعه نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر سهیم‌اند و قرآن زن را از این وظیفه استثناء نکرده است. پس هر یک از زن و مرد بر حسب توانایی‌های‌شان،

ایرانی همان زنان دوران هخامنشی و ساسانی‌اند که «در ایران باستان زنان با مردان شریک زندگی بودند و با هم مراده داشتند». درج افکار این نوگرایان در جریان مشروطیت راه را برای ابراز وجود زنان باز کرد به طوری که زمینه را برای اقدامات عملی در این راستا و در دوره بعد فراهم آورد. با روی کار آمدن سردار سپه و بویژه بعد از تغییر سلطنت از خاندان قاجاریه به پهلوی، روند غربگرایی و غربزدگی و پذیرش الگوهای غربی علاوه بر عرصه صنعت، در رفتارها و ارزش‌های اجتماعی نیز دگرگونی عمیقی به وجود آورد. در این دوره، حوزه ترسیمی فعالیت زنان در انذهان عمومی از محدوده خانواده فراتر رفت و شکلی اجتماعی و عمومی به خود گرفت. اجرای برنامه‌های تجددطلبانه رضاشاه هر یک به میزان قابل توجهی در پیشبرد کشف حجاب تأثیر گذارد. رضاشاه در ادامه طرح مدرنیزه کردن ایران، شیوه زندگی ایرانیان را به سمت اروپایی شدن تسریع کرد. با اعمال قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه، نخست ظاهر مردان را به اروپاییان نزدیک کرد و آنگاه با طرح کشف حجاب، زنان را بدین سوی فرخواند. قانون اتحاد شکل البسه که در راستای وضع قوانین عرفی (غیرشرقی) و تجدد سازمان دستگه قضا و به دنبال آن کنار زدن روحانیون از صحنه‌های حقوقی و سیاسی تدوین یافت، نه تنها مردان را به‌عنوان مانع اصلی بر سر راه کشف حجاب زنان برداشت، بلکه آنان را نیز تشویق کرد مروج حضور زنان در اجتماع باشند.

نگاهی به مقالات و نوشته‌های آن زمان در مجلات و روزنامه‌ها نشان می‌دهد مشوق اصلی زنان در پذیرش طرح کشف حجاب، مردان تجددگرا بودند. آنان با طرح مباحثاتی پیرامون بدخنتی زنان و عوامل عقب‌ماندگی آنان، غالباً حجاب را به‌عنوان عامل اصلی عقب‌ماندگی معرفی می‌کردند. اگر چه، در این باره نمی‌توان پایین بودن میزان سواد زنان را به نسبت مردان در آن زمان ندانیده انگاشت اما به هر حال مردان تجددطلب و قشر روشنفکر جدید، حتی بیش از زنان باسواد و روشنفکر آن زمان داعیه رفع حجاب داشتند. رضاشاه برای آنکه بتواند طرح اروپایی خود را به منصف ظهور برساند، پس از آنکه نسبت به حذف تدریجی روحانیت از صحنه‌های حقوقی و سیاسی – اجتماعی اقدام کرد، درصدد ایجاد و گسترش مدارس آموزشی بویژه مدارس آموزشی دختران به سبک و سیاق غربی برآمد تا از طریق این مراکز بتواند در ایران شد. بیان این نکته لازم است که انگیزه رویکرد ایران به غرب ناشی از عقب‌ماندگی‌های نظامی، صنعتی و اقتصادی، به منظور تقویت این زمینه‌ها نبود اما محصول آن، تجددطلبانی بودند که غربگرایی را مبدل به غربزدگی کردند.

با آغاز نهضت مشروطیت، از آنجا که اکثر نظریه‌پردازان آن عمدتاً غربزده و غربگرا بودند، در پیشبرد این جریان تلاش بیشتری صورت پذیرفت. یکی از این نظریه‌پردازان مؤثر، میرالملکم‌خان است که به فراسفت دریافت در بادی امر تغییر ایران به صورت اروپا کوشش بی‌فایده‌ا است. از این رو فکر تجددطلبی را در «تلفه‌دین» عرضه داشت تا هموطنانش آن را در یافته و نیک بپذیرند. ملکم‌خان نه تنها به تقلید از علم و صنعت غرب یعنی همان رویه کارشناسی و تخصصی آن تأکید داشت بلکه تقلید و تبعیت از فرهنگ و آداب و رسوم غربی را که از دید او «کار خدایجات انسانی» بود، لازم و واجب می‌شمرد. به جز ملکم‌خان، تجددطلبانی چون آخوندزاده و میرزاآقاخان کرمانی به این روند دامن زدند. آخوندزاده یکی از منادیان و مروجان تفکر و آداب و رسوم غرب است. وی در عین حال که خود را ملّی‌گرا قلمداد می‌کرد از طرفداران تغییر خط پارسی به لاتین نیز بوده‌است. یکی از شاخص‌های اعتقادی و سنتی جامعه ایرانی که در فکر آخوندزاده مورد هجوم قرار می‌گیرد حجاب زنان است که از آن به‌عنوان پروتستانتیزم در مذبح یساد می‌کند و الگوی قابل پذیرش برای زن ایرانی را زن غربی می‌داند.

میرزا آقاخان کرمانی نیز همچون سلف خود، راه‌های زن ایرانی را کنار گذاشتن حجاب می‌داند. با این تفاوت که الگوی قابل پذیرش برای زن

■ ■ ■

جایگاه و نقش زن در جامعه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب

محور در خانواده، مسوؤل در جامعه

تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه صبر و حوصله و عاطفه خود سرباب می‌کند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدامی کرد.»

- ضرورت رشد علمی و معرفی زنان**

محروم کردن زنان از تحصیل و تعلیم و تربیت ظلم و اهانتی است که عده‌ای به نام اسلام و سنت در حق زنان روا داشته‌اند و این موضوع سبب رشد کمتر زنان نسبت به مردان، در اجتماع و سیاست شده است: «اگر زنان را هزار سال دیگر هم از مناطق گوناگون زندگی دور نگه دارند، تعداد هزار سال بعد از این می‌بینند که در سطح دنیا، تعداد دانشمندان مرد، تعداد سیاستمداران مرد، تعداد پیشه‌وران مرد، تعداد مردانی که فعالیت‌های اجتماعی را پیش می‌برند بیشتر از زنان است. اگر دستی بیاید جلوی مردان را بگیرد و نگذارد که آنها در اینگونه مسائل دخالت کنند و زنان را وارد این امور کند، بعد از گذشت سال‌ها می‌بینید که به‌تدریج آن جنس در این کارها ضعیف‌تر و این جنس قوی‌تر شد. البته این هم در درست نیست و به یک شکل دیگر ظلم است.» در دیدگاه رهبری، مناسبت‌ترین زمینه برای فعالیت اجتماعی زنان عرصه‌های علمی است. اگرچه در نظر ایشان، در حیطه کارهای اجرایی بعضی مشاغل مناسب زن نیست اما حضور زن در همه عرصه‌های علمی و رشته‌های گوناگون مفید است: «کارهای دانشگاهی و علمی از هر نوعش برای زن مناسب است. زن اگر بخواهد استاد شده، تعلیم و تدریس کند، کتاب بنویسد، کار‌های فرهنگی بکند؛ در هر رشته‌ای که می‌بانتد فرق نمی‌کند؛ چه رشته علمی محض باشد، چه رشته‌های علوم انسانی. تدریس و دینی‌تاریخ باید باشد، تفاوتی نمی‌کند.» از نظر ایشان زنان باید به اندازه مردان اعتلای فکری و قدرت تحلیل پیدا کنند: «برترین زنان تاریخ کسانی هستند که از خودشان خرد، راده، تصمیم درست و شخصیت انسانی نشان داده‌اند.» زنان باید به خودپلوری برسند و شخصیت واقعی‌شان را اظهار کنند. یعنی شخصیتی که تحمیلی یا تلقینی نیست بلکه حقیقتی است که زیر پوشش‌های گوناگون مخفی نگه داشته شده است. این سبب، باید به هر فرصت دانه نبود تا استمدادهای ظلمی موجود در درونش به‌طور بالقوه وجود دارد، با بالفعل کند. از آنجا که زنان نقش مرئی را در خانواده بر عهده دارند تفکرشان بر تفکر مردان جامعه نیز مؤثر است و بدین ترتیب اصلاح زنان به اصلاح مردان و در نتیجه

روزی که زن ایرانی تولدی دوباره یافت و قدم به عرصه حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذارد، روزی که نصف جمعیت کشور که تا آن روز به حساب نمی‌آمدند، دوشادوش مردان وارد صحنه تولید شدند و تعبیراتی از این قبیل. اما این عده در اقلیت بودند و گروه دیگری که اکثریت قاطع جامعه ایرانی را تشکیل می‌دادند و فریادشان در آن جو خفقان علیه این طرح اجباری رضاخان به جایی نرسید یا نگذاشتند به جایی برسد از این روز به‌عنوان روز انحراف زن و شکسته شدن حریم خانواده و طغیان علیه قوانین دینی و سنت‌های اجتماعی یاد کردند به طوری که اجازه ندادند همسرانشان از خانه بیرون آمده، مجلس آرای محافل و جشن‌ها شوند. حتی زنان این طبقات مخالف برای مدتی خود را در خانه محبوس کردند اما این جنس نمی‌توانست دلمی باشد و چاره‌ساز مشکل، چرا که قشر جوان زن ایرانی بعضاً به صف زنانی که رفع حجاب کرده و مبلغ آن بودند، متمایل می‌شد. دولت برای پیشبرد این برنامه از دو طریق وارد عمل شد؛ یکی از طریق سیاست تشویق و دیگری تنبیه. اتخاذ این دو روش در ابتدا به موزات هم نبود بلکه اولی بر دومی پیشی می‌جست اما بعد از مدتی دومی بر اولی غلبه یافت. در راستای اجرای روش اول، ابتدا برگزاری مجالس جشن و سرور بین کارمندان دولت که قابل کنترل بودند، و نیز با برنامه تجددطلبانه رضاشاه موافقت بیشتری داشتند، صورت پذیرفت و آنگاه به دیگر اقشار سرایت کرد. حکام بعضی از شهرها به بهانه‌های مختلف از قبیل افتتاح مدارس و مراکز تفریحی و ورزشی مردم را دعوت می‌کردند که اقبای کشف حجاب را از کارکنان دولت و خانم‌های‌شان پیاموزند. جز شرکت دادن مردم در جشن‌ها و محافل، اقدام دیگری هم در نظر گرفته شده بود. کارکنان دولت دستور یافته بودند به اتفاق خانم‌های‌شان در موقع غیراداری – عصرها – در خیابان‌ها گردش و عبور و مرور کرده، سرمشق اهالی باشند. همچنین بنا به نقل مجله زن روز در شماره سال ۴۵ خود «سیاست دولت در شهرها اقتضا می‌کرد که خانم‌ها در معروف‌ترین و محترم‌ترین خانواده‌ها بدون چادر و کوچه و بازار بیایند تا سایرین هم از آنها تبعیت کنند.» در مناطقی که به واسطه استیصال مردم، مشکل تهیه البسه جدید برای زنان وجود داشت مجریان طرح به جمع‌آوری اعانه از خانواده‌های متمول شهرد روی آوردند تا منابع گزراوری شده را صرف خرید لباس اقشار کم‌درآمد کنند. مهم‌ترین نکته‌ای که طی سخنرانی مسؤولان، در این جشن‌ها به چشم می‌خورد، حملات شدید و بی‌رحمانه علیه حجاب و ترسیمی زشت و منفور از چهره حجاب بود به طوری که سعی مداخلان طرح این بود تا انواع فسق و فجور زنان را به حجاب و چادر مربوط سازند و در مقابل آن رفع حجاب را متراف تفوا و پاک‌ا زنان و هماهنگی آنها با تمدن جامعه بشری محسوب کنند؛ با تأکید بر اینکه هر ترقی و رفی و هنما رعایت فرهنگ و آداب غربی است. شایان توجه است برای حمله به حجاب گاهی از توجهیات مذهبی نیز استفاده می‌شد. چنین استناد می‌کردند مساله حجاب در قرآن به همان صراحتی که مساله قصاص بیان شده، مطرح نیست و سپس اضافه می‌کردند: «در مملکت ما چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام حجاب وجود نداشته است.»

آن را جامعه ادینی می‌دانستند. حال آنکه به قول «مخبرالسلطنه» چادر رسم ایرانیان بوده و از قدیم‌الایام خود را به رعایت آن ملزم می‌دانست‌اند. به گفته «نهری» حجاب از ایران و روم، ۲ دنیای متمم آن زمان، به هند وارد شده است و تاریخچه آن بسپار قدیمی است و اصلی است که به قول «مونتسکیو» ریشه در طبیعت و فطرت زن دارد. پس از آنکه مدتی از اعلام رسمی کشف حجاب و منع حجاب گذشت و در شهرهای مذهبی و سنتی تمایلی جهت اجرای طرح از سوی خانواده‌ها صورت نگرفت، چهره دوم این سیاست یعنی اقدامات انتظامی و تنبیهی، خود را نمایاند. در این راستا آن به مأموران دستور داده شد «با کمال جدیت

پروژه حجاب‌زدایی چگونه در ایران عملیاتی شد؟

غربزدگی، ریشه کشف حجاب

و متانت نسبت به اجرای مقصود با تشویق و وسایل دیگر به طور دائم مراقبت کنند.» منظور از وسایل دیگر همان به کارگیری زور و خشونت برای اجرای مقصود بود. با استقرار پاسبان‌ها در معابر عمومی، آمد و رفت زنان چادری کنترل می‌شد و برای برداشتن چادر نخست به آنها اخطار می‌شد و در صورت عدم توجه چادر را از سر آنها کشیده و اگر ارزش می‌داشت ضبط و در غیر این صورت پارچه‌ای می‌کردند. به همین سبب، بانوانی که ناگزیر بودند برای رفع حوائج ضروری از منزل خارج شوند با پوشیدن پالتوهای یقه‌دار و بلند و به سر گذاردن کلاه‌های گشاد که همه موی سر را در بر می‌گرفت و نیز بعضاً با استفاده از عینک‌های دودی بزرگ که قسمت اعظم صورت را می‌پوشاند در خیابان‌ها و معابر عمومی ظاهر می‌شدند. این عکس‌العمل زنان موجب شد از سوی رئیس دولت بخشنامه‌ای به ولایات صادر و استفاده از این رویه ممنوع شود. با التزام گرفتن از کارآزدارها که زنان چادری را دستور نکرده و با گماردن مأموران انتظامی در زیارتگاه‌ها که زنان چادری را راه ندهند و نیز ممناعت از رفتن زنان چادری به حمام از یک طرف و نظارت بر کار حمامی‌ها از طرف دیگر که مبادا زن باحجابی را به حمام راه دهند، روز به روز دایره فعالیت و حضور مأموران دولتی علیه زنان محجبه گسترده‌تر شد. قدم دیگر دولت در برخورد با مخالفان طرح، بر خورد با روحانیونی بود که مردم ولایات را علیه کشف حجاب برمی‌انگیختند. بنابراین تقلیل هر چه بیشتر «رباب عمالم» و «جلوگیری از رضه‌خوانی» و به زندان انداختن و تبعید آنها طی بخشنامه‌ای دولتی سرلوحه عمل استانداران، فرمانداران و بخشداران شد.

این برخوردها تنها اختصاص به زنان محجبه و مدافعان حریم مکتب نداشت، بلکه شامل کارمندان دولتی متخلف نیز می‌شد. انفصال از خدمات دولتی، قطع حقوق ماهانه و منتظر به خدمت کردن، گوشه‌ای از این برخوردها با کارکنان متخلفا بود اما بعد از شهریور ۲۰ و دگرگونی اوضاع، در دستورالعمل‌های صادره سیاست تشویق بر سیاست تنبیه ترجیح یافت. برخورد غیرمستقیم و توجه به امر تبلیغات برای پیشبرد طرح حجاب‌زدایی که سیاست شاه جدید و دولت‌های او بود، اثر منفی دربرپایی نقاب و شکر و فرهنگ کشف حجاب که از ابتدا با برداشتن روپنده و نقاب شروع شده بود، تبدیل به فرهنگ برهنگی و متعاقب آن برهنگی فرهنگی شد. تأسیس سازمان زنان ایران به ریاست اشرف پهلوی، همراه با سازماندهی برنامه‌های تبلیغاتی رسانه‌های جمعی بویژه رادیو، تلویزیون و سینما، برنامه‌هایی بود که می‌خواستند تنها حجاب و پوشش را از زن ایرانی بر گیرد، بلکه حجب و حیا را نیز از وی بستاند و بی‌پند و باری اخلاقی را برای وی و اندکان آورد. در نتیجه پیامدهای سوه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، گریبان جامعه از حجاب برون آمده را گرفت. اگر انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری آن پیر فرزانه اتفاق نمی‌افتاد معلوم نبود در آتیه نزدیک جامعه ایرانی در منظر جهانیان چگونه شناخته می‌شد. البته این بدان معنا نیست که چشم بر فاشدگان فرهنگی که در پی شیخینوع فرهنگی دشمن و با بی‌برنامگی‌های داخلی برخی مسؤولان که از دامن زده شده، برندید و جنایات این مکافات را نادیده نگاریم که حفظ حریم نوامیس اجتماعی بویژه نسل جوان، وظیفه بس سترگی بر دوش مسؤولان بویژه مسؤولان فرهنگی کشور قرار داده است و هر گونه تعلل، یعنی مشارکت در جنایات علیه انسانیت و اسلامیت و خبانت نسبت به آرمان شهیدان انقلاب اسلامی که با خون خود حرمت نوامیس اجتماع را پاس داشتند.

برگرفته از کتاب:

کشف حجاب، زمینه‌ها، واکنش‌ها و پیامدها
مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

و مذهبی است که زن را رشد می‌دهد اگرهت بست شمردن کار خانگی و در مقابل ارزشمند شمردن اشتغال بیرون از خانه به عنوان عامل رشد و ترقی زن، ریشه در تفکرات فمینیستی دارد.

- نقش زنان در انقلاب**

حضور انقلابی زن‌ها که از زمان مشروطه آغاز شده و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن ادامه یافته‌ا که دیدگاه رهبری در واقع بازگشت زن به فطرت و اصل وجودی است. زنان علاوه بر حرکات انقلابی، شرکت در تظاهرات و فعالیت‌های امدادی و.. با فکارازی‌هایی که نسبت به همسران، فرزندان و برادران‌شان ابراز کردند سهم زیادی در پیروزی انقلاب داشتند. اگر حضور زنان نبود، انقلاب اینگونه به ثمر نمی‌نشست و تأثیرگذار نمی‌شد. از نظر ایشان داخل کردن زنان به متن انقلاب، یکی از کلیدهای اصلی پیروزی هر انقلابی است: «لا حضور زنان در نهضت انقلابی ماست ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد یا بسیار پیروز نمی‌شد یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین حضور زنان مشکل گشا بود. در جنگ هم همینطور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا به‌حال هم همین‌گونه بود. است. بنابراین تلاش زیادی شده است.» ایشان معتقدند این نقش حساس و بی‌بدیل باید ادامه داشته باشد: «لان برای نگه داشتن زن ایرانی در همان روندی که انقلاب او را در آن انداخته بسود و حفظ آن حالت، احتیاج داریم به چند چیز.

اول به ادامه استدلال، یعنی آن استدلال صحیح و متینی که نشان می‌دهد جایگاه زن چیست. ثانیاً به ادامه حفظ حالت انقلابی در او، ثالثاً جلوگیری از نفوذ آن چیزی که بیشترین تکیه‌گاه فرهنگ طاغوتی بود که از غریزه را تحریک می‌کرد؛ یعنی عکس‌ها فیلم‌ها و.»

- زنان متولی مسائل زنان شوند**

از نقطه نظر رهبر معظم انقلاب در درجه اول، این زنان هستند که باید برای حل مشکلات قشر خودشان اقدام کنند. جامعه زنان باید کار فرهنگی را در اولویت خود قرار دهند و دانن شناخت و آگاهی به قشر زنان، آنها را در برابر تهاجم فرهنگی دشمن مقاوم می‌سازد. زن‌ها هستند که باید نگاه غلطی را که نسبت به زنان و مسائل مربوط به جنسیت وجود دارد، تصحیح کنند: «خانم‌های باسواد و تحصیل‌کرده، خانم‌های ولس و معارف که باید وارد یک میدان مبارزه صحیح برای مساله زن بشوند، نه فقط این‌ها می‌کنند. کار درست حامی بی‌اطلاع و احیاناً کسانی که دلشان می‌خواهد فقط حرف بزنند رها می‌کنند. این درست‌نیست.»

❖ **دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان**